

## نگاهی به عملکرد و فروپاشی حزب توده پس از انقلاب اسلامی

✦ حسین کاوشی

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

### تأسیس و شکل‌گیری حزب توده

حزب توده در تاریخ هفتم مهر ماه ۱۳۲۰، سیزده روز پس از استعفای رضا شاه، اعلام موجودیت کرد. ۲۷ نفر از اعضای ۵۳ نفر مارکسیست (۱) زندانی شده در سال ۱۳۱۶ که در این زمان آزاد شده بودند، با گردهمایی در تهران تشکیل یک سازمان سیاسی با عنوان حزب توده ایران را اعلام کردند. کمیته مرکزی موقت حزب متشکل از افراد زیر بود: سلیمان میرزا اسکندری، عباس اسکندری، ایرج اسکندری، دکتر رضا رادمنش، رضا روستا، دکتر محمد بهرامی، بزرگ علوی، علی امیرخیزی، محمد یزدی، عبدالحسین نوشین. چنان چه از ترکیب این افراد مشخص است، این حزب در ابتدای تأسیس ماهیت تمام عیار کمونیستی نداشت. کیانوری موسسان حزب را به چهار گروه تقسیم می‌کند:

۱- بخشی از گروه ۵۳ نفر

۲- عده‌ای از عناصر ملی که پیشینه‌ی آزادی خواهی داشتند مانند سلیمان اسکندری

۳- کمونیست‌های قدیمی که پیش از گروه ۵۳ نفر دستگیر شده و ده سال در زندان بوده‌اند مثل اردشیر آوانسیان و رضا روستا

۴- عناصر فاسد، جاه‌طلب و مقام‌خواه همانند عباس اسکندری و محمد یزدی.

این گروه، چهار هدف موقت و اولیه داشت: آزادی باقی مانده‌ی گروه ۵۳ نفر از زندان، به رسمیت شناخته شدن حزب توده به عنوان سازمانی قانونی، انتشار روزنامه و تهیه و تدوین برنامه‌ای که بر خلاف برنامه‌های غیر مذهبی پیشین و بدون برانگیختن مخالفت علما، امکان جذب دموکرات‌ها، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌های کهنه‌کار، مارکسیست‌های جوان و حتی غیر مارکسیست‌های رادیکال را فراهم کند (۲).

حزب توده پس از تدوین برنامه موقت، مشغول سازماندهی شد و کار را از تهران آغاز کرد. این حزب در مهر ماه ۱۳۲۱، برای برگزاری نخستین کنفرانس موقتی خود آماده شد. در این گردهمایی ۳۳ ناظر از استان‌ها و ۸۷ نماینده از تهران حضور داشتند. هر یک از این ۸۷ نفر، نماینده‌ی ده عضو بودند. (۳) به گفته یکی از رهبران حزبی، در آن زمان حزب توده در سراسر کشور شش هزار عضو داشت. پس از نخستین کنفرانس تهران، حزب توده در استان‌های دیگر به ویژه در برخی نواحی سازمان‌های موجود را جذب کرد و در برخی مناطق دیگر هم سازمان‌های جدیدی به وجود آورد. (۴)

### ادوار تاریخ حزب توده

ادوار تاریخ حزب توده را می‌توان به هشت دوره تقسیم کرد:

۱- از تأسیس تا فرقه دمکرات: دوره اول تاریخ حزب توده از تأسیس تا آغاز پیدایش فرقه دمکرات، یعنی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ امتداد دارد. در این دوره حزب توانست با حمایت شوروی و دخالت احمد قوام، هشت نماینده در مجلس شورای ملی دوره چهاردهم داشته باشد و فراکسیون توده را به وجود آورد. حزب توده در این دوران ابتدایی حیات خود، پا به پای دیپلماسی شوروی پیش می‌رفت.

۲- از فرقه دمکرات تا کابینه قوام: دوره دوم حیات حزب توده از پیدایش فرقه دمکرات آذربایجان و پارتی دمکرات کردستان (پارت) آغاز می‌شود و اوج فعالیت این حزب شرکت وزیرانش در کابینه‌ی دوم قوام می‌باشد. در این دوره حزب از نظر کمی در همه شهرهای کشور توسعه یافت و با سقوط کابینه قوام به پایان می‌رسد.

۳- از کابینه قوام تا ترور شاه: دوره سوم حیات حزب توده از آذر ۱۳۲۶ تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، یعنی روز توطئه علیه شاه می‌باشد. در این زمان دوران طلایی حزب پایان می‌یابد و دوره شکست فرا می‌رسد. تیراندازی ناصر فخرآرایی به شاه در دانشگاه تهران موجب شد تا دولت حزب توده را به توطئه‌چینی برای کشتن شاه متهم سازد و مدارکی دال بر رابطه‌ی سوء قصد کننده با روزنامه مذهبی پرچم اسلام و اتحادیه روزنامه نگاران وابسته به شورای متحده ارائه کند. هر چند دولت اتهام سوء قصد را به دلیل نداشتن مدارک محکم و مستدل مسکوت گذاشت، با توسل به قانون سال ۱۳۱۰، حزب توده را به عنوان سازمانی کمونیستی منحل و غیرقانونی اعلام کرد.

۴- از ترور شاه تا ۱۳۳۰: دوره چهارم از اعلام غیر قانونی شدن حزب تا رد قرارداد الحاقی نفت گس - گلشایبان، یعنی از بهمن ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ را در بر می‌گیرد. در این دوره رهبران اصلی حزب توده در زندان به سر می‌بردند اما ده نفر از رهبران حزب که از زمان غیر قانونی کردن حزب دستگیر شده بودند، به کمک دو تن از افسران شهرداری عضو سازمان نظامی (قبادی و رفعت محمدزاده) با سازماندهی روزیه و عباسی، به فرار از زندان موفق می‌شوند. پنج تن از آنها (کیانوری، قاسمی، مرتضی یزدی، جودت و بقراطی) به سه نفری که از اعضا هیأت اجراییه باقی مانده بودند، (دکتر بهرامی، علی علوی و دکتر فروتن) ملحق می‌شوند و این هیأت اجراییه هشت نفری، در یکی از حساس‌ترین دوران‌های مبارزه برای ملی کردن نفت زمام امور رهبری را به دست می‌گیرد.

۵- دوران ملی شدن صنعت نفت: دوران پنجم از سال ۱۳۳۰ که نهضت ملی شدن نفت آغاز می‌شود را تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در بر می‌گیرد. در این دوران با توجه به این که زمام امور در دست کاشانی و مصدق بود، حزب شرایط مناسبی برای توسعه می‌یابد و تنها در تهران به قول دکتر بهرامی، دبیر کل موقت حزب در ایران، اعضای آن به ده هزار نفر می‌رسید و یک سلسله سازمان‌های علنی خود را به وجود می‌آورد. حزب توده به ابتکار قاسمی و کیانوری از همان ابتدا با شعار ملی کردن نفت مخالفت می‌کنند و در جریان نهضت ملی شدن نفت به نفع رژیم کار کرده و با اتخاذ سیاست عدم مقاومت در مقابل کودتای ۲۸ مرداد، در واقع دستیار بازگشت رژیم استبدادی بر سر کار می‌شود.

۶- از کودتای ۲۸ مرداد تا متلاشی شدن حزب: دوره ششم از کودتای ۲۸ مرداد تا کشف سازمان نظامی حزب توده و متعاقب آن متلاشی شدن تمام سازمان‌های علنی و مخفی حزب یعنی تا سال ۱۳۳۴ را در بر می‌گیرد. این دوران مانند دوران سوم نه تنها دوران افول حزب است، بلکه دوران شکست و ورشکستگی اخلاقی و سیاسی حزب و رهبری و سازمان‌های وابسته به آن بشمار می‌آید.

۷- دوران فرار از ایران: دوره هفتم یک نوع فصل‌نهایی و حالتی است بدتر از احتضار برای تنه‌ی حزبی که در حال تجزیه است. خسرو روزبه تنها افسر از دوازده نفر اعضا «هیأت اجراییه سازمان نظامی» بود که زنده ماند. وی در رأس حزب قرار می‌گیرد ولی کوشش او نتیجه‌ای ندارد. در میان همکاران او کسانی مانند متقی و ثابت، خود را به پلیس تیمور بختیار (اولین رییس ساواک) فروخته بودند و همین مسئله موجب لو رفتن خسرو روزبه شد. در خارج از کشور نیز تلاش‌هایی برای فعالیت حزب صورت می‌گیرد و کمیته مرکزی آن در آلمان شرقی تشکیل می‌شود.

۸- پس از انقلاب اسلامی ایران: دوران هشتم از آغاز سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۱ را در بر می‌گیرد. بنا بر اراده‌ی شوروی و دستگاه‌های امنیتی و جاسوسی آن کشور، سرانجام نورالدین کیانوری دبیری حزب توده را به دست می‌-

گیرد و تا زمان انحلال آن در سال ۱۳۶۱ با این باور که حکومت جمهوری اسلامی دوامی ندارد، به فعالیت‌های مخفی و علنی خود ادامه می‌دهند.

#### فعالیت حزب توده پس از پیروزی انقلاب اسلامی

فعالیت حزب توده را در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: اول دوره انتقال که نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب را در برمی‌گیرد و طی آن، رهبری حزب توده با تمهیداتی به داخل کشور منتقل می‌شود و سازمان خود را بر پا می‌کند. کیانوری در این باره می‌گوید: «با پیروزی انقلاب و پیدایش شرایط جدید سیاسی در ایران، از اول فروردین ۱۳۵۸ تا آخر اردیبهشت همان سال همه کادرهایی که داوطلب بازگشت به ایران بودند، مهاجرت را ترک کرده و به کشور بازگشتند. من شخصاً روز ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ به تهران بازگشتم. هم‌سرم مریم که عضو کمیته مرکزی بود، اوایل فروردین به ایران آمده و فعالیت‌های اولیه تشکیلات دمکراتیک زنان را آغاز کرده بود.

زمانی که من به ایران آمدم، کار اساسی تجدید سازمان انجام شده بود. در اوایل اسفند ماه ۱۳۵۷ فرج‌الله میزانی به تهران اعزام شد. او به کمک علی خاوری و آن اعضای سازمان افسری حزب که پس از ۲۵ سال از زندان شاه آزاد شده بودند (عباس حجری بجستانی، محمدعلی عمویی، رضا شلتوکی، ابوتراب باقرزاده، تقی کی‌منش و محمد اسماعیل ذوالقدر) و تعدادی از زندانیان توده‌ای که هریک ۱۰ الی ۱۵ سال در زندان بودند مانند آصف رزم دیده، صابر محمدزاده، هدایت الله معلم، گاگیک آوانسیان و غیره، سازماندهی تشکیلات حزب در ایران و تجدید انتشار روزنامه مردم را آغاز کرده بودند.

در خیابان ۱۶ آذر رو به روی ساختمان دانشکده فنی دانشگاه تهران، نیز ساختمانی به عنوان دفتر مرکزی حزب تهیه شده بود. این ساختمان به یکی از اعضای سابق حزب، مهندس جمشید هرمز برادر محمود هرمز از فعالین قدیمی حزب تعلق داشت. او این ساختمان را با وام مفصلی که از بانک و مقداری هم از برادرش گرفته بود، ساخت و زمانی که آن را به اجاره ما داد هنوز تکمیل نشده بود... پس از رسیدن من به تهران کار رهبری حزب منظم شد و جلسات هیئت اجراییه تشکیل گردید. (پس از مدتی ما نام هیئت اجراییه را به هیئت سیاسی تغییر دادیم)... مدت کوتاهی پس از ورود من به تهران، هیئت سیاسی تصمیم گرفت که چند نفر به ترکیب هیئت دبیران و هیئت سیاسی اضافه شوند. بدین ترتیب طبری، عمویی، خاوری و حجری به هیئت دبیران و شلتوکی، باقرزاده، ذوالقدر، کی‌منش به هیئت سیاسی وارد شدند...» (۵)

دوره دوم که به طور عمده سال ۱۳۵۸ را در بر می‌گیرد و فعالیت تشکیلاتی رهبری حزب توده معطوف به جذب گروه‌ها و محفل‌ها و افراد توده‌ای و متشکل ساختن آنها در چارچوب سازمان‌های علنی و مخفی است، دوره تجدید سازمان حزب توده است.

دوره سوم که دوره تثبیت است، سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ را در بر می‌گیرد و اوج فعالیت حزب توده محسوب می‌شود. در این دوره حزب توده توانست سازمان علنی و تشکیلات مخفی - نظامی خود را منسجم سازد و فعالیت‌های سیاسی، تبلیغاتی و اطلاعاتی خویش را سامان بخشد. در این دوره حزب توده با تبلیغات وسیع تلاش می‌کند تا به عنوان حامی استراتژیک خط امام معرفی شود و در همین جهت به موضع‌گیری در مقابل حزب دمکرات کردستان، دولت لیبرالی مهندس بازرگان، حمایت از اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ادعای مشارکت در دفاع مقدس، مقابله تبلیغاتی با خط بنی‌صدر و حتی ارائه برخی اطلاعات به نهادهای انقلابی علیه ضد

انقلاب راست و چپ افراطی و مائوئیسم، سعی می‌کند تا جای پای خود را در جامعه تحکیم بخشد. در این دوره، حزب توده نهایت تلاش خود را برای دریافت پروانه فعالیت قانونی از وزارت کشور انجام می‌دهد و این در حالی است که در اوج فعالیت پنهانی خود برای سازماندهی تشکیلات مخفی - نظامی و ارتباطات جاسوسی است.

اقدامات ناچیز و فرصت‌طلبانه حزب توده در ارائه برخی اطلاعات پیرامون کودتای نوژه، این حزب را سخت مغرور می‌سازد و کیانوری مکرراً مدعی کشف کودتا توسط حزب می‌گردد و توده‌ای‌ها نیز به شدت به اشاعه این شایعه می‌پردازند. در چنین جو آکنده از غرور است که گردهمایی هفدهم کمیته مرکزی در فروردین ۱۳۶۰ در تهران برگزار می‌شود.

دوره چهارم که سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۲ را در بر می‌گیرد، بر اثر پی‌گیری نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، اسرار ارتباط شبکه مخفی نظامی حزب توده با کا.گ.ب. (سازمان امنیتی شوروی) کشف می‌شود و حزب آماج کنترل‌ها و هشدارهای اطلاعاتی - عملیاتی قرار می‌گیرد. رهبری حزب به شدت به تدارکات دفاعی در ابعاد اطلاعاتی - سیاسی و تبلیغاتی می‌پردازد و می‌کوشد تا خود را از زیر ضربه خارج کند. از جمله در نیمه سال ۱۳۶۱ به قطع ارتباط مستقیم با شوروی دست می‌زند و ارتباط تشکیلات مخفی - نظامی را پیچیده‌تر و مستورتر می‌سازد. معهدا، با پیگیری و هوشیاری نهادهای اطلاعاتی این اقدامات خنثی شده و در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۱ اولین گروه از رهبران و کادرهای درجه اول حزب دستگیر می‌شوند.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۶ در عملیات «امیرالمومنین علی(ع)» که در شب میلاد مولای متقیان انجام گرفت، سازمان‌های علنی و مخفی حزب توده فرو می‌ریزد و در پی آن با اطلاعیه دادستانی کل انقلاب اسلامی انحلال آن اعلام می‌گردد.

#### حزب توده در پی براندازی نظام

در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۶۱، اطلاعات دقیق و مستند و شواهد نظری و عملی، مسئولین کشور را در جریان یک توطئه گسترده و عمیق که توسط حزب توده در شرف تکوین بود و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را هدف گرفته بود، قرار داد. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولین نظام نسبت به ماهیت حزب توده شناخت کافی داشتند. این شناخت که از تجربه عمیق بررسی فعالیت کمونیست‌ها در ایران و سایر کشورهای اسلامی سرچشمه می‌گرفت، کافی بود تا رهبری انقلاب و مسئولین نظام را نسبت به فعالیت حزب توده و سایر گروه‌های چپ در ایران به هوشیاری معطوف کند. امام خمینی(ره) در سخنان خود - پیش و پس از انقلاب - بارها بر این هوشیاری تأکید ورزید و تلاش‌های جریان‌های مارکسیستی و التقاطی را که منافقانه از اتحاد با نیروهای مسلمان دم می‌زدند، خنثی کردند. با وجود این در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۵۸، شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور به نحوی بود که مسئولین در عین ابراز هوشیاری، می‌کوشیدند فعالیت رسمی حزب توده را علی‌رغم عملیات مخرب آن تحمل کنند. مهم‌ترین عاملی که سبب فعالیت آزادانه حزب توده در چهار سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی شد، تعهد نظام نسبت به «اصل آزادی عقیده» بود. امام(ره) در آخرین روزهای اقامت خود در پاریس به صراحت بر این اصل تأکید ورزیده و اعلام داشتند در نظام آینده: «مارکسیست‌ها آزاد خواهند بود خواسته‌های خود را بیان کنند، اما آزادی توطئه علیه کشور را نخواهند داشت.» (۶) این اصل که نظام جمهوری اسلامی تاکنون نیز پایبندی خود را به آن به ثبوت رسانیده، از دو بعد قابل بررسی است: بعد نخست را «اصل پویایی اندیشه‌ها در شرایط تعارض» می‌توان نامید. اسلام از تعارض اندیشه‌ها نه

تنها بیم ندارد، بلکه آن را برای اعتلای مبانی مکتبی و انتخاب آگاهانه افراد مفید می‌داند. اسلام مکتبی است که در همه‌ی ابعاد نظری و عملی توانمندی و غنای خود را به اثبات رسانده و در شرایطی که مکتب در معرض شبهات کفرآلود و شرک آمیز قرار گیرد، مواجهه مکتبی و فرهنگی و دفع عقلایی تفکر منحرف از راه تعمیق اندیشه را کارساز می‌شمرد و نه سرکوب قهرآمیز تفکر و رقیب و مهاجم را.

بعد دوم، ضرورت باسازی فکری و فرهنگی نسلی بود که در دوران حاکمیت شاه و امریکا به شدت به فرهنگ غربی آلوده شده بود. این بخش از جامعه که در شرایط سلطه پرورش یافته بود، با پیشداوری‌های نظری و آلودگی‌های فرهنگی وارد نظام نوین اسلامی شد و بخشی از آن پیرامون گروه‌های مختلف چپ، از جمله حزب توده مجتمع شد. مسئولین انقلاب و نظام امید داشتند که با گذشت زمان و آشنایی با آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی به تدریج عناصر کمتر آلوده و صادق این نیروها به آغوش اسلام باز گردند.

بر اساس این بینش مکتبی، نظام نوپای جمهوری اسلامی علی‌رغم فشار کم نظیر ضد انقلاب داخلی و خارجی، فعالیت آزادانه احزاب و گروه‌های چپ را پذیرا شد. به تدریج بخش عمده این جریان‌ها که زیست در شرایط آرام سیاسی، انگیزه‌های وجودی و مایه‌های موجودیشان را به تاراج می‌برد و دستمایه بس حقیرانه فرهنگ و اندیشه‌شان را بر ملا می‌ساخت، راه توطئه و آشوب را پیش گرفتند و توسط مردم از صحنه حیات اجتماعی کشور حذف شدند. ولی در این میان حزب توده‌تر فندی خاص پیش گرفت و زیرکانه کوشید تا توطئه‌های خود را زیر پوشش حمایت صوری از نظام انقلابی پنهان دارد.

مسئولین نظام هر چند هوشیارانه به حرکت‌های حزب توده توجه داشتند، با وجود این تا نیمه دوم سال ۱۳۶۱ با صبر و بردباری موجودیت آن را تحمل کردند. ولی در شرایطی که این موجودیت می‌توانست به خطری برای کیان انقلاب و ارزش‌های برخاسته از خون هزاران شهید تبدیل شود، بردباری جایز نبود. نه تنها شرع، بلکه عرف جاری سیاست جهانی در همه اعصار و در همه کشورها چنین بردباری را جایز نمی‌شمارد. به این ترتیب پرده‌داری از چهره‌ی توطئه‌آمیز حزب توده در دستور نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و مأموریت دستگیری سران حزب توده به «واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» محول شد.

#### عملیات امیر المومنین(ع) و فروپاشی حزب توده

در پی یک رشته عملیات مقدماتی در ساعت ۴:۳۰ بامداد روز ۱۳۶۱/۱۱/۱۷، با دستگیری نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده و همسرش مریم فرما نفرمائیان فیروز، عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب، نخستین مرحله عملیاتی آغاز شد. در ساعات اولیه بامداد همان روز بخش مهمی از مراکز پنهانی حزب توده به تصرف پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و حدود چهل تن از مهره‌های برجسته حزب توده و عناصر کلیدی کمیته مرکزی و کادرهای درجه اول حزبی را در بر می‌گرفت.

در پی دستگیری این عناصر، بلافاصله تخلیه اطلاعاتی با طبقه‌بندی حفاظتی بالا آغاز شد و هرگونه تلاش عوامل نفوذی شوروی و حزب توده و عناصر ضد انقلاب راست در سایر ارگان‌ها - که بعدها چگونگی آن کشف شد- برای اطلاع از میزان اطلاعات به دست آمده عقیم ماند. باتلاش پیگیر نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فاصله‌ای کمتر از دو ماه، تمامی اطلاعات کلیدی از عملیات پنهانی حزب توده به دست آمد و سازمان‌های مخفی و نظامی و شبکه‌های نفوذی و جاسوسی و طرح‌های براندازی خزانده و کودتایی حزب توده کشف شد. ابعاد مطالب کشف شده به حدی بود که رهبری حزب توده هیچ‌گاه تصور آن را نمی‌کرد و برای جبران آن، طرح جانشینی پیش‌بینی نکرده بود.

دومین مرحله عملیات با نام «عملیات حضرت امیرالمومنین(ع)» بر مبنای اطلاعات کشف شده در مرحله نخست، در شب میلاد امام علی (ع) - ۱۳۶۲/۲/۷ - آغاز شد. در نخستین گام این عملیات چهار نفر اعضای رهبری حزب توده که جلسه «هیأت دبیران» را تشکیل داده بودند (فرج‌الله میزانی، مسئول تشکیلات کل، انوشیروان ابراهیمی، مسئول فرقه دمکرات آذربایجان، محمد مهدی پرتوی، مسئول سازمان‌های مخفی و نظامی، رحمان هاتفی، مسئول وقت سازمان ایالتی تهران پس از دستگیری آقای حجری، در ضربه اول دستگیر شدند. در این عملیات، حدود ۱۷۰ نفر از کادرهای حزبی و اعضای سازمان‌های مخفی و نظامی و عوامل جاسوسی و نفوذی در تهران و بیش از ۵۰۰ نفر در شهرستان‌ها دستگیر شدند. همچنین حدود ۸۰ واحد خانه مخفی حزب، سه محل جاسازی شده اسلحه، شامل ۲۰۰ قبضه انواع سلاح کمری، تفنگ ژ۳، کلاشینکف، آرپی.جی.۷، تیربار و مقادیر زیادی فشنگ و نارنجک، صدها دستگاه اتومبیل و موتور سیکلت، انواع وسایل چاپ و تکثیر و آرشیوهای محرمانه حزبی و قریب به نه میلیون تومان وجه نقد به دست آمد.

حزب توده در بر گیرنده قریب به ده هزار عضو و تعدادی هوادار بود که بخش عمده آنان در سازمان‌های رسمی حزب سازماندهی شده بودند و مستقیماً در جریان توطئه‌ها و اقدامات پنهانی حزب قرار نداشتند. نکته‌ای که مورد توجه جدی مسئولین قرار داشت، بهره‌گیری از افشای توطئه‌های پنهانی حزب به منظور بازگرداندن این عناصر به دامن نظام و جامعه و برخورداری آنان از یک زندگی سالم بود. بر این اساس همزمان با «ضربه دوم» - عناصری را که به طور مستقیم در توطئه‌های پنهانی و جاسوسی حزب مشارکت داشتند در بر می‌گرفت - برنامه افشای ماهیت حزب نیز به اجرا در آمد. اولین گام در این افشاگری، مصاحبه رادیو تلویزیونی تعدادی از برجسته‌ترین سران حزب و اعتراف صریح آنان به مشارکت در تخلفات قانونی و توطئه‌های پنهانی و جاسوسی بود. (۷)

#### اعترافات نورالدین کیانوری

نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده در اولین افشاگری تلویزیونی خود، تخلفات حزب توده را در شش محور بیان کرد. وی سخنان خود را بدین شرح شروع کرد: «با سلام به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران من امروز می‌خواهم کوشش بکنم با پوزش و شرمندگی در مقابل ایشان، تخلفاتی را که حزب ما در عرض این چهار سال فعالیت در جمهوری اسلامی انجام داده آن طور که هست بیان بکنم و این تخلفات درسی باشد برای نسل جوان ما که راه درست خودشان را از راه گمراهی که ما رفتیم جدا بکنند و بتوانند در چارچوب کشور خودشان با قوانین موجود در کشور خودشان خدمت به مردم کشور بکنند و از این گمراهی که ما را به این روز و این فاجعه انداخته است دوری بجوبند...»

این تخلفاتی که ما کردیم، من در شش محور عمده این‌ها را خلاصه کردم. البته این به این معنی نیست که ما به غیر از این شش محور عمده، تخلف دیگری نداشتیم. تخلفات دیگری هم داشتیم ولی این شش محور به نظر من عمده‌ترین و تعیین کننده‌ترین محورهای تخلفات ما بوده است:

اولین و شاید مهم‌ترین - به نظر من - تخلف ما عبارت است از زیر پا گذاشتن شعار عمده و اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که به وسیله امام اعلام شد و بعداً رسمیت کامل یافت. این شعار نه شرقی نه غربی، مفهوم درستش این است که افرادی که در ایران هستند، مطابق قوانین ایران حق فعالیت آزاد سیاسی مطابق عقاید

خودشان را دارند. این‌ها با اجتناب از هرگونه تماس با کشورهای خارجی، با نیروهای خارجی اعم از شرق یا غرب، اعم از ابر قدرت امریکا یا قدرت بزرگ شوروی.

ما این شعار را در حرف پذیرفتیم ولی در عمل به علت آن چسبندگی و وابستگی که طی چندین ده سال بین حزب ما و حزب کمونیست اتحاد شوروی برقرار شده بود، نتوانستیم خودمان را از این وابستگی خاص بکنیم و صرفاً در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران، فعالیت سیاسی خودمان را آن قدری که قانون اساسی اجازه می‌داد، انجام بدهیم...

دومین تخلف ما مسأله سلاح است. امروز مشخص است که در روزهای بهمن [۱۳۵۷] مقدار زیادی از سلاح‌های ارتش به دست نیروهایی که در جریان ۲۲ بهمن شرکت داشتند، ریخته شد و از آن جمله به دست گروه‌هایی که تحت عنوان حزب توده فعالیت می‌کردند، افتاد. واقعیت این است که انقلاب بهمن را توده‌های وسیع مردم ایران به رهبری امام خمینی زیر شعارهای اسلامی، زیر شعار واقعی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی انجام دادند و به موفقیت رساندند و نقش گروه‌های کوچک سیاسی دیگر و از آن جمله ما، بسیار کوچک بوده است که اگر نبود هم انقلاب پیروز می‌شد. ولی بعداً ما به جای آن که این واقعیت را عمیقاً درک بکنیم و بفهمیم که چه در کشور ما رخ داده است، نتوانستیم درک کنیم و در همان چارچوب وابستگی‌ها باقی ماندیم و از آن جمله در مورد سلاح وقتی امام دستور دادند که سلاح‌ها همه تحویل داده شود به مقامات جمهوری اسلامی و به کمیته‌ها، به جای آن که این دستور را اجرا کنیم، ظاهراً [به اعضا و هواداران] دستور دادیم [که سلاح‌ها را تحویل دهند] ولی بالواقع مقداری را نگه داشتیم، مقداری را جاسازی و مقداری را مخفی کردیم و با این کار تخلف بزرگی را انجام دادیم. من که در بازجویی هم گفتم که اگر تا قبل از تجاوز عراق، نگهداری این سلاح‌ها فقط یک تخلف بزرگ و خیلی شدیدی می‌توانست باشد، از آن تاریخ قطعاً خیانت است؛ چون این سلاح‌ها برای جبهه ضرورت داشت. از این جهت من خودم را مسئول می‌دانم.

سومین و یکی از عمده‌ترین مواد تخلف ما، تخلف از اعلامیه ده ماده‌ای دادستانی کل انقلاب بود. به نظر ما این اعلامیه عبارت بود از یک رحمت بزرگی که از طرف امام نسبت به گروه‌ها و گروهک‌ها انجام می‌گرفت. این رحمت و بخشش بزرگی بود. ایشان دستور دادند که هرکس هر کاری کرده به جای خودش، از این تاریخ دسته‌ها بیایند سازمان‌های مخفی خود را منحل کنند، سلاح‌هایی که دارند تحویل دهند و به کار سیاسی بپردازند. اعلامیه فوق-العاده پر ارج و پر ارزش بود و ما قدر آن را درک نکردیم و این به واسطه همان خواص حزب ما بود و به جای این که سازمان مخفی خود را که تا آن وقت هنوز وسعتی نداشت منحل کنیم، آن را تقویت کردیم. عده‌ای از افراد را به آن جا اضافه کردیم و این سازمان را تبدیل کردیم به یک سازمان مخفی که کارش عبارت بود از جمع‌آوری اطلاعات، تا حد اطلاعات جاسوسی؛ به این ترتیب ما یک اشتباه و خطای بزرگی را انجام دادیم که قابل مجازات است.

چهارمین محور در خطای ما مسأله افسران است. امام اعلام کردند که نیروهای مسلح باید از برخوردهای احزاب سیاسی بر کنار باشند و واقعاً در جهت حاکمیت جمهوری اسلامی عمل نکنند، نه این که بر اساس میل سیاسی حزب خودشان عمل کنند. و این دستور درستی بود و ما با کمال تأسف باز هم به همان علت‌های گذشته این دستور را زیر پا گذاشتیم. آن وقت عده‌ای از افسران به وسیله دوستان خود با حزب تماس می‌گرفتند و به طور متشکل کاری انجام نمی‌دادیم، ولی از آن پس ما این افسران را از آن شکل پراکنده‌ای که در داخل شبکه عادی حزبی بودند، جدا کردیم و وصلشان کردیم به شبکه مخفی و برایشان در شبکه مخفی یک جریان مشخصی به وجود آوردیم که منظم‌تر از سابق شد و وسیله‌ای شد برای گرفتن خبر و در مواردی هم انتقال این خبر به مقامات شوروی؛ یعنی همان کاری

که سابقاً گفتم. به نظر ما این خود یک خیانت به جمهوری اسلامی بوده است، مثل موارد مشخص قبلی که من گفتم.

محور پنجمی که من به طور مهم تشخیص می‌دهم، برخورد ما هست با قانون پاکسازی تصویب شده از طرف مجلس شورای اسلامی. حق هر حاکمیتی است که افرادی که سیاست آن حاکمیت را نمی‌پذیرند، در مقامات مسئول مملکتی و بالطبع مقامات انتظامی باقی نگذارند. در عین حال که اسم حزب توده ایران صریحاً برده نشده است، ولی به طور تلویحی گفته شده که افراد وابسته به حزب توده ایران یا به احزاب وابسته به خارج - که مقصود همان حزب توده بوده - این‌ها می‌بایست در دستگاه دولتی فرهنگ، دانشگاه و بعضی مقامات و به ویژه از مقامات انتظامی تصفیه شوند.

این قانون کاملاً به حق است، هیچ‌گونه ایرادی به آن نمی‌شود گرفت. حق جمهوری اسلامی است که چنین قانونی بگذارد و عملی کند. ما به جای این که این را بپذیریم و افراد را آزاد کنیم از عضویت حزب توده ایران و یا به آن‌ها بگوییم که خودشان را معرفی کنند و بگویند که عضو حزب توده ایران هستند، اگر مقامات مجاز می‌دانند که بمانند و به کارشان ادامه بدهند. اما این‌ها با توسل به دروغ و ربا و با هدایت ما درصدد برآمدند تا عضویتشان را به حزب توده ایران تکذیب کنند تا همان مقامات خودشان محفوظ بمانند.

ما سعی کردیم که با افراد مختلفی در دستگاه تماس بگیریم. خلاصه افراد نفوذی خود را به جاهای حساس‌تری بنشانیم و یا این که افراد تازه‌ای را برای تماس با حزب جلب بکنیم که این عبارت است از همان کار نفوذی که محکوم شده است از طرف جمهوری اسلامی ایران.

ششمین محوری که من باز هم به عنوان یکی از خطاهای بزرگ قائل هستم، عبارت است از این کاری که ما اخیراً شروع کرده‌ایم و آن عبارت است از کوشش برای پیدا کردن راهی برای عبور از مرز؛ عبور غیر قانونی از مرز در درجه اول. البته این برای بیرون بردن عده‌ای از کادر رهبری حزب بود، برای این که ما احساس می‌کردیم که حزب زیر ضربه قرار خواهد گرفت. به علت همین تخلفاتی که انجام داده و در یک مورد هم که من می‌خواستم استفاده بکنم برای یک مشورتی به خارج بروم و این هم یکی از آن گناهان بزرگ و کبیره بود...» (۸)

اطلاعیه دادستانی کل انقلاب اسلامی درباره انحلال حزب توده  
همزمان با اعترافات صریح اعضای حزب توده و بر مبنای اسناد و مدارک تکان دهنده‌ای که از توطئه‌ها و خیانت-  
های حزب توده به دست آمد، در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۵ دادستانی کل انقلاب اسلامی، انحلال حزب توده را بدین شرح  
اعلام داشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

ومكروا و مكروالله والله خير الماكرين

بار دیگر دست خدا از آستین حزب الله به در آمد و همان طور که بارها شاهد پیروزی این امت محروم بر اجانب بوده‌ایم، این بار نیز یکی دیگر از جریان‌های خائن به اسلام را رسوا ساخت. در پی دستگیری سردمداران حزب منفور توده و اقرار صریح آنان مبنی بر توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و براندازی به شرح ذیل:

۱- جاسوسی به نفع بیگانگان

۲- سرقت و نگهداری اسلحه و مهمات جهت مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران



۳- رابطه با گروهک‌های محارب

۴- اخلال در کارخانجات و مراکز تولیدی و صنعتی کشور

۵- نفوذ در سازمان‌ها، ادارات، نهادهای انقلابی و مراکز نظامی و انتظامی

دادستان کل انقلاب اسلامی بنابر اصول ۹ و ۳۴ و ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موجب این اطلاعیه، حزب توده را منحل اعلام داشته و هر نوع فعالیتی به نفع آن را غیر قانونی و عملی ضد انقلابی محسوب می‌کند. بنابراین به کلیه اعضا و هواداران این حزب اخطار می‌شود در تهران از تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷ لغایت ۶۲/۲/۲۵ به اطلاعات دادسرای انقلاب اسلامی مرکز، واقع در لونا پارک و در شهرستان‌ها از تاریخ ۶۲/۲/۲۵ الی ۶۲/۲/۲۵ به دادستانی‌های انقلاب اسلامی آن شهرستان‌ها مراجعه و ضمن ارائه اصل شناسنامه، دو نسخه فتوکپی شناسنامه و سه قطعه عکس جدید، خود را معرفی و پس از تکمیل فرم مربوطه مرخص شوند. بدیهی است کسانی که پس از انقضای مهلت مذکور خود را معرفی نکرده باشند، به عنوان ضد انقلاب و توطئه‌گر علیه نظام جمهوری اسلامی تحت پیگرد قرار گرفته و مطابق قوانین دادگاه‌های انقلاب اسلامی به کیفر خواهند رسید. دادستان کل انقلاب اسلامی، (۹)

اهمیت انحلال حزب توده

عملیات فروپاشی حزب توده به حیات ستون پنجم شوروی در ایران پایان داد و بدین ترتیب کانال اصلی سیاست مداخله‌جویانه و کودتاگرایانه روس‌ها را مسدود ساخت.

مسئلاً اگر فعالیت حزب توده ادامه می‌یافت، با گسترش شبکه نظامی و اطلاعاتی و نفوذی که در نهادها و ارگان‌های جمهوری اسلامی ایران می‌تیند، در شرایط داخلی و بین‌المللی مساعد، زمانی که عوامل و زمینه‌های براندازی طبق تحلیل‌های حزب توده و شوروی فراهم می‌شد، به عملیات براندازی کودتاگرایانه علیه نظام جمهوری اسلامی دست می‌زد. این توطئه چه بسا در یک مقطع حساس و بحرانی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی می‌توانست به شکل تصرف یک نقطه بی‌اهمیت و دور افتاده کشور، تشکیل یک دولت مستقل مارکسیستی در آن و سپس دعوت «ارتش سرخ اتحاد شوروی» اجرا شود و بدین‌سان عملیات کودتا و براندازی با اشغال نظامی تکمیل گردد.

حزب توده در واقع نقش زائده «کا.گ.ب» ارگان جاسوسی شوروی را در ایران ایفا می‌کرد و از طریق شبکه وسیع حزبی، شاخه‌های «کا.گ.ب» را به ادارات، محلات، مدارس و حتی خانه‌ها و خانواده‌ها گسترانیده بود. عملیات فروپاشی حزب توده به فعالیت جاسوسی عوامل «کا.گ.ب» در ایران پایان داد و بساط حزب جاسوس‌پرور توده را برچید و ضربه اطلاعاتی مهمی را بر ابر قدرت شرق وارد ساخت. همچنین وجود حزب توده خود بهانه مناسبی برای غرب و عوامل داخلی آن و انواع جریان‌ها و نهضت‌ها و انجمن‌های غرب‌گرا و لیبرال بود تا با دمیدن در بوق خطر «حزب توده» و «خطر شوروی»، در راه اقدامات بنیادی دولت جمهوری اسلامی و اجرای طرح‌های آن سنگ‌اندازی کنند و بکوشند تا با برجسته ساختن حزب توده، بر عملکردهای خود سرپوش گذارند و با برچسب توده‌ای و شرق‌گرا، علیه افراد و نهادها سمپاشی نمایند. فروپاشی حزب توده، حقانیت شعار نه شرقی و نه غربی را نشان داد و این سلاح تبلیغاتی را از چنگ غرب و عوامل آن در داخل کشور در آورد.

حزب توده در طول چهار سال فعالیت خود در جمهوری اسلامی ایران، نقش منفی در حیات اجتماعی و سیاسی ایران ایفا کرد. حزب توده به تبع مطامع خود، یک عامل ناراضی‌تراش بود که می‌کوشید بر مشکلات اجتماعی و

اقتصادی دامن زند و از نارسایی‌ها و کاستی‌ها به نفع خود سوء استفاده کند و انواع ترفندها را برای ایجاد نفاق و تعارض در میان مسئولین طراحی و به اجرا گذارد و انواع اتهام‌ها و شایعه‌ها را علیه نهادها و مسئولین و شخصیت‌ها بپراکند. با فروپاشی حزب توده به حیات این عامل منفی و غده سرطانی نیز پایان داده شد.

پی نوشتها:

- ۱ - در سال ۱۳۱۶ ه.ش، پلیس ۵۳ نفر را به اتهام تشکیل سازمان مخفی اشتراکی، انتشار بیانیه‌ی ماه مه (روز کارگر)، سازماندهی اعتصابات دانشکده‌ی فنی و کارخانه نساجی اصفهان و ترجمه‌ی کتاب‌های الحادی مانند کاپیتال مارکس و مانیفست کمونیست، دستگیر کرد. اگرچه پنج تن از دستگیر شدگان بلافاصله آزاد شدند. این گروه به ۵۳ نفر معروف شد. شخصیت اصلی ۵۳ نفر تقی ارانی بود که در سال ۱۳۱۹ در زندان در گذشت. (آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۹۷-۱۹۳)
- ۲- خاطرات نورالدین کیانوری، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۶۸-۶۷
- ۳- آبراهامیان، ص ۳۴۷
- ۴- همان، ص ۳۴۹
- ۵ - خاطرات کیانوری، ص ۵۱۲-۵۱۱
- ۶- روزنامه کیهان ۱۳۵۷/۱۰/۲۶
- ۷- حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۶۸-۱۳۲۰)، به کوشش جمعی از پژوهشگران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۷۹۷-۷۹۶
- ۸- همان، ص ۸۰۰-۷۹۷
- ۹- روزنامه کیهان ۱۳۶۸/۲/۱۵